

ضرورت تبدیل افغانستان به عامل همکاریهای منطقوی

قبل از طرح مسایل و موارد کلی در مورد، لازمی بنظر میآید تا جنبه های مختلف سیاست های ایالات متحده در آسیای میانه و افغانستان در طرح «آسیای میانه» مورد مطالعه و بررسی موشگافانه قرار داده شود. در اینمورد بطور مشخص چنین پیشنهاد میگردد تا بصورت یک کل، محتوای اهداف و وظایف ایالات متحده در افغانستان و آسیای میانه و همچنان مجموع پلانهای همکاریهای نظامی - تخنیکی و مسأله اثرگذاری وضعیت افغانستان بر جریانهای منطقوی ارزیابی گردد. بصورت قطع، طرح و درمیان گذاشتن ایده ها و مفکوره هایی در مورد استقرار و ثبات اوضاع در افغانستان و تحکیم امنیت کشورهای آسیای میانه، بخصوص در اوضاع و احوال کنونی از اهمیت شایانی برخوردار میباشد، چه در نظر باید داشت که تأمین امنیت در منطقه، منجر به تأمین امنیت جهانی خواهد شد.

نباید این واقعیت را فراموش نمود که اهداف ایالات متحده و ناتو در منطقه، درازمدت میباشد. به باور کامل، چنین حالت سبب خواهد شد تا بیش از هر زمان دیگر در تسلیحات غرب افزایش بعمل آمده و طبعاً همزمان با آن ضرورت تعلیم و تربیه افراد شاغل در امور و مسایل نظامی، بیش از پیش فزونی یابد. اما در ظاهر امر، سخن تنها از همکاری در عرصه برنامه های موجود «مشارکت برای صلح» و نه بیش از آن مطرح بحث قرار گرفت. متذکر باید گردید که انتقال کشورهای منطقه به ستاندردهای نظامی - تخنیکی ناتو، ضرورت آمادگیهای سطح عالی و بلندی را در دستور روز قرار میدهد. انجام مسأله متذکره در شرایط کنونی و حتی در آینده نیز بسختی قابل پیشبینی می باشد.

این مسأله را باید متذکر گردید که بمنظور تحکیم حاکمیت ژئوپولیتیکی ایالات متحده در آسیای میانه، نیاز به همکاری روسیه، ایران و چین احساس میگردد، برای این منظور، ایالات متحده میتواند بصورت کامل از عامل دسترسی به کانونهای بی ثباتی و تشنج منطقوی در روابط بین المللی استفاده نماید. اما آیا قدرتهای جهانی دیگر از اعمال محدودیتهایی در فعالیتهای و عملکردهای ایالات متحده پیروی خواهند نمود؟

پس از «خروج» «نیروهای بین المللی تأمین امنیت» از افغانستان مطابق دیدوبررسی اوضاع موجود، بخشهای محدودی از قوتهای خارجی در آسیای میانه نگهداشته می شوند. بدینترتیب دولتمداران افغانستان، در صورت تضمین های اقتصادی همکاری بمنظور تأمین امنیت، با پلانهای ایالات متحده مخالفتی نخواهند داشت. در سطح داخلی، یکی از نکات مورد اختلاف اساسی، چگونگی این موجودیت محسوب میگردد. مسأله تمایلات غربی نخبگان سیاسی، دانشگاهیان، افراد نظامی - سیاسی و حلقات تخصصی که فعالیتهای

آنها در ارتباط مستقیم با کشورهای غربی میباشد، جوانان، آموزش دیدگان در غرب، کارگران مهاجر، شخصیت‌هایی که مدتی در غرب بود و باش داشته و در آن کشورها بکار و فعالیت مشغول بودند، از اهمیت خاصی برخوردار میباشد. در سطح سیاست خارجی، چنین حضور از جانب اکثریت سازمان‌های بین‌المللی (مانند سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا و غیره)، دولت افغانستان، دولت‌های آسیای میانه، جاپان، هندوستان و در صورت امکان پاکستان مورد پشتیبانی قرار گرفته است.

بنظر بسیاری از دست‌اندرکاران امور منطقوی و کارشناسان مسایل امنیتی، ایالات متحده نمیخواهد از افغانستان منصرف گردد. ببینید، در اینجا در نزدیکی افغانستان، کشور چین موقعیت دارد، در همسایگی کشورما ایران قرار گرفته و منطقه خلیج. افغانستان - از موقعیت جیوستراتژیکی حساسی برخوردار میباشد. بنه‌آن چنین نظریه‌ای بارها تکرار گردیده و مکرراً از آن یادآوری بعمل می‌آید که ایالات متحده بیشتر از سایرین، نفع خود را بیش از همه در ایجاد و تداوم تنش ببیند.

در مورد امکان تداوم فعالیت‌های گروه‌های مختلف بنیادگرا و تشدد طلب، مطالب گوناگون و متنوعی ابراز میگردد. مثلاً از جمله چنین ابراز نظر میگردد که نیروهای مخالف دولت افغانستان، اصلاً قصد تغییر و تبدیلی را در منطقه آسیای میانه ندارند. بلی، آنها به سازمانها و دسته‌بندیهای رنگارنگ از جمله به جنبش اسلامی ازبکستان، علاقمندی و تمایل بیشتری داشته و، اما در عوض، اعمال و کرده‌های آنها را مخفی نگه‌میدارند.

این مسأله را همه می‌پذیرند که تاشکند در مورد سیاست افغانی اش مصلحت‌گرایی را پیشه نموده است: اگر طالبان قدرت سیاسی را به تصرف در آورند، با آنها کار خواهد نمود، اگر نیروی دیگری قدرت را در اختیار گیرد، با آنها کنار خواهد آمد، اگر افراد دیگری قدرت را تصاحب نمایند، با آنها همکاری خواهد نمود. چنین یک وضعیتی، در تبدیلی موقعیت آن کشور بمثابه پایگاه مرزی مبارزه با تروریسم، خللی وارد ننموده و در مورد دخالتی نخواهد داشت. کشور قزاقستان، بگمان اغلب که در مورد، سیاست مشابهی را تعقیب خواهد نمود. تاجکستان آرزومند بود تا قبایل خویش را مورد حمایت و پشتیبانی جدی قرار دهد، اما برای اینکار، اصلاً امکانات موجود نبود.

اما، برای پاکستان که از افغانستان باثبات بیم دارد، چنین امکانات میسر میباشد، کشوری که از مبارزه ایالات متحده علیه تروریسم و بمثابه متحد ایالات متحده در امر مبارزه علیه تروریسم، کمک‌های عظیم مالی و پولی را نصیب گردید. اما اسلام آباد این فرصت را از دست داد تا به تمرکز فعالیتها و مبارزه امریکاییان علیه پشتونها موفق گردد. در واقع همین اکنون در پاکستان عملاً جنگ داخلی همچنان ادامه دارد. پس از آن، پشتونها علیه نخبگان سندی و پنجابی مبارزه مینمایند. با اینحال تشکیل کنفدراسیون افغانستان و پاکستان نیز منتفی گردید. در افغانستان پشتونها در تشکیل و رهبری دولت‌هایشان نقش و سهمی داشتند که نمیتوان از آن چشم‌پوشی نمود، اما آنها در پاکستان از چنین نقش و سهمی محروم میباشند. نخبگان سند و پنجاب علاقمندی و تمایلی به تحکیم حاکمیت اقلیت پشتون در کشور شان ندارند.

این مسأله را نباید فراموش نمود که ایالات متحده نمیتواند بصورت کامل نیروهای رزمی نظامیش را از افغانستان فراخواند. طبق اطلاعات وزارت امور خارجه ایالات متحده، فراهم‌آوری بیشترین تعدادی از نیروهای ویژه، مشاوران و ایجاد پایگاهها غرض حل و فصل معضلات، ساختار، تعداد و محل این پایگاهها مشخص گردیده است. باید یادآور گردید که ایالات متحده در افغانستان اهداف ستراتیژیک ندارد. به تاریخچه حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان، اندکی دقت باید صورت گیرد. طبق اظهارات بعضی

از دست اندر کاران امور، تهاجم ایالات متحده به افغانستان قبلاً در حلقه‌های رهبری کشور مهاجم مطرح نگردیده بود، مهمترین دلیل این حمله و یورش و سرزیرگردیدن نظامیان ایالات متحده به کشور ما، حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویارک و واشنگتن، عنوان گردید. حملات متذکره به امریکا بمثابة چالشی محسوب گردید که توسط گروهی از تروریستان بین‌المللی و «القاعده» در سرزمین آن کشور انجام پذیرفت.

در اینجا بيمورد نخواهد بود تا اهداف کلی ایالات متحده را در افغانستان ذیلاً برشماریم:

- از میان بردن پایگاه‌های تروریسم بین‌المللی و مراکز تعلیم و تربیه جنگجویان آن؛
- سقوط و سرنگونی رژیم طالبان که اسامه بن لادن را پناه داده بودند؛
- ایجاد شرایط بمنظور جلوگیری از انجام هر نوع فعالیتیکه در آینده به منافع ایالات متحده و هم پیمانانش صدمه وارد نماید؛
- مجازات عاملین و متهمان حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱.

ببینید، همه وظایف یادشده بصورت عملی اجرا گردیده، بنأء حضور و موجودیت ایالات متحده در افغانستان منتفی میگردد. اما مصلحت‌گرایی ایالات متحده امریکا اجازه نمیدهد تا تشدد طلبان بار دیگر بر قدرت سیاسی کشور مسلط گردند.

بنظرم ایالات متحده امریکا درصدد وارد نمودن فشار ژئوپولیتیکی بر روسیه و چین و یا کشوردیگری در منطقه نمیباشد. این ایده بیش از هر زمان دیگر تقویه مییابد که ایالات متحده قبل از همه پشتیبانی از کانونهای عدم ثبات و تشنج را بمنظور توجیه موجودیتش در محل، بکار میبندد. چنین اقدامی بمثابة هدف و مقصد هیچ دولت نورمال و متمدن در جهان نمیتواند اصلاً مطرح باشد. جهان معاصر در ارتباط متقابل باهمدیگرمفهوم و معنی کسب مینماید: بی‌ثباتی در یک منطقه بمثابة پژواک بی‌ثباتی بکشور دیگر بازتاب مییابد. جهان بزرگ است و در عین زمان خیلی کوچک هم مییابد. نمیتوان واکنش زنجیره‌یی کانون‌های تشنج و عدم ثبات را تحت کنترل قرارداد. نظم جهان دچار تحول و تغییر گردیده است، اما الگوهای «جنگ سرد» بیش از پیش بکار می‌رود. بمنظور درک و شناخت اهداف ستراتیژیک ایالات متحده در آسیای میانه، ضرورت درک و شناخت طبیعت و ماهیت جریانات کنونی در کشور عزیز ما افغانستان، از اهمیت فوق‌العاده مهمی برخوردار مییابد. در طول مدت زمان ۱۴ سال جنگ در افغانستان، اصل موجودیت نظامی-سیاسی ایالات متحده - ناتو در آسیای میانه شکل گرفته و در منطقه یادشده جاگزین گردیدند. این موجودیت پایان‌پذیرفته، بلکه ابعاد جدیدی نیز اختیار نموده است.

ذکر این مسأله شایان اهمیت مییابد که فعال گردیدن نیروهای تشدد طلب در افغانستان، در شرایط پس از خروج سربازان خارجی از کشور، متصور نمیباشد. با اینحال اگر فرضاً وضعیت مشابه در این ویا آن کشور آسیای میانه بمشاهده رسد، این خود نتیجه تصادم و برخورد جهان بینی‌های گروه‌های تشنج طلب خواهد بود. اکثریت قریب بتمام رسانه‌ها طی راپورتاژهایشان از کاربرد سلاح و اعمال فشاریکه در بسیاری از نقاط جهان توسط دهشت افگنان بکار گرفته میشود، موضوعات جالبی را به نشر میسپارند. احساسات ذکرشده، در نوع خود از قوت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و بازگوی حقیقت‌هایی مییابد که درخور اهمیت بوده و لازمه دقت مییابد. در آنها این حقیقت بازگو میگردد که در جهان معاصر چسان افراد و اشخاص مربوط به گروه‌های تروریستی و دهشت افگن، ارگانهای رسمی و دولتی را مورد

سواستفاده قرار داده و اعمال تروریستی خویش را توجیه مینمایند، کاین بنوبه خود، بمثابه ابزار جنگهای اطلاعاتی محسوب میگردد.

اکنون بسوال وسعت وگسترش همکاریهای نظامی- تخنیکي ایالات متحده/ ناتو با دولتهای آسیای میانه میپردازیم. کشورهای آسیای میانه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به ایجاد اردوهای ملی شان تقریباً از نقطه صفر آغاز کردند. بصورت قطع، در چنین یک وضعیتی، بخصوص در شرایط کنونی، باید با استاندارد یکه با معیارهای ناتو همخوانی داشته باشد، به تشکیل و بازسازی اردوهایشان مبادرت ورزند. نیروهای نظامی کشورهای آسیای میانه، دیر یا زود به ستاندردهای نظامی - تخنیکي ناتو نایل خواهند گردید. نخستین گامها در مورد برداشته شده. از جمله، تعلیمات مشترک فرماندهی و کارکنان و عملیتهای نظامی، رشد و انکشاف برنامه های متعدد در بخشهای مختلف در مورد را میتوان یادآور شد.

در ارتباط به ختم ماموریت های جنگی و رزمی ایالات متحده و ناتو در افغانستان بایست یادآور شد که در گام نخست، بخشی از مسوولیتهای امنیتی به قوای مسلح افغانستان سپرده شده و حتی اکنون تمامی مأموریتهای جنگی و نظامی، بصورت بالفعل توسط نیروهای امنیتی افغانستان انجام گرفته و در صورت ضرورت، قوای ناتوبه حمایت آنان میپردازند. لهجه ارزیابی اوضاع افغانستان و بررسی رقابتهای در مورد کشور عزیز را باید بصورت دقیق مورد ارزیابی قرار داد. چنین پیشبینی میگردد که اوضاع امنیتی، پس از سال ۲۰۱۴ مغلوق و پیچیده شده که در مورد اقداماتی باید پیشبینی گردد. در اوضاع کنونی هم، بعضیها چنین میگویند که شاید مذاکرات صلح با مخالفین مسلح دولت به نتیجه ای منتج نگردد، چه ابتکارات صلحی که با طالبان درواشنگتن تهیه گردیده است، از پروسه مذاکرات هیچ مسأله جدی و نتیجه قابل قبولی متصور نمیشود. ایالات متحده در امر رقابت با چین بخاطر پاکستان، بطور قطع چین را از دست خواهد داد و پاکستان روز تا روز بجانب چین سوق داده شده و وابستگیهایش به کشور چین نیز افزایش مییابد. با اینحال، پاکستان باتمامی نیرویش، بازی با امریکا را ادامه داده و در صدد آن خواهد شد تا با استفاده از امکانات، نفوذ خود را در غرب و جنوب افغانستان گسترش بخشد. پاکستان در صدد آن است تا به ایالات متحده چنین تفهیم نماید که در منطقه بمثابه کشور کلیدی میباشد و ایالات متحده بدون در نظر داشت منافع اسلام آباد، به تنهایی قادر نخواهد بود تا بمنظور دستیابی به اهدافش به دولت افغانستان متکی گردد. پاکستانیها به امریکا پیشنهاد مینمایند تا آنها را در قضایای افغانستان نه بمثابه عروسکی، بلکه بمثابه شریک متساوی الحقوق بپذیرند تا در این بازی با ایالات متحده سهم مساوی داشته باشند. همچنان پاکستان، سود این سهمگیری خویش را از کشورهای عربی، ایران و حتی روسیه نصیب خواهد گردید.

پاکستان در حمایت و پشتیبانی چین و بعضی از کشورهای دیگر، از جمله عربستان سعودی، قطر و ایران در جهت تقویت و وسعت نیروهای طالبان و گروههای حقانی و حکمتیار خواهد کوشید. بارتباط مطلب گفته آمده در فوق، ایالات متحده ناگزیر خواهد گردید تا در مورد متقاعد ساختن پاکستان به کشاندن طالبان به پای میز مذاکره، با آن کشور وارد معاملاتی گردد، در غیر آن، تعاملات بنحوه دیگری تکوین خواهد پذیرفت. ایالات متحده از همان اول امر، در صدد آن بود تا تغییراتی در هیأت رهبری دولت افغانستان صورت گرفته و چهره هاییکه در امر مصالحه و گفتگو با مخالفین مسلح موثر میباشند در بخشهایی از رهبری دولت جابجا گردند. متذکر باید گردید که دستاوردهای مصالحه با مخالفان مسلح بمنظور استقرار صلح سراسری در جغرافیای کشور ما چندان ملموس نبوده، اما نباید فراموش نمود که کوششها وسیعی و تلاشهای متعددی چه از جانب دولت افغانستان و چه از جانب متحدین بین المللی کشور در زمینه یادشده، همین اکنون جریان

داشته و جسته و گریخته خبرهایی از بازدیدها و گفتگوهای طرفین داخلی، خارجی و منظوقوی در وسایل اطلاعات جمعی بنشر میرسد.

بسیاری از دست اندرکاران ذیدخل در امور و مسائل افغانستان چنین میپندارند که همکاری دوجانبه ناتو و «سازمان همکاریهای شانگهای» میتواند در حل و فصل قضایای افغانستان موثر واقع گردد. این موضوع کاملاً واضح و مبرهن است که ایالات متحده و ناتو میتوانند با کمک سازمان ملل متحد، بادرک فهم متقابل در همکاری و همیاری با «سازمان همکاریهای شانگهای» مسأله تأمین امنیت در ولایتهای صفحات شمال کشور و دول کشورهای عضو ناتو تأمین امنیت ولایتها و بخشهای جنوبی کشور را برعهده گیرند. خوب البته این در حد یک پیشنهاد و الترناتیف میباشد.

بعلاوه، حفظ استقلال و تمامیت ارضی افغانستان صرف در صورت گسترش جبهه مبارزه جهانی علیه تروریسم، میتواند تضمین گردد. نباید این مسأله را از نظر دور نگهداشت که پس از همکاریهای امریکا، اروپا، روسیه، هندوستان، جاپان، کوریا، ترکیه و ایران این امکان میسر میگردد تا از جاه طلبی های بعضی از کشورهای عربی و پاکستان جلوگیری بعمل آمده و بیش از هر زمان دیگر در تقویه و یاری رساندن بدولت افغانستان در امر ایجاد و تأمین صلح و امنیت پایدار در کشور سعی و تلاش نمود.